

تبیین بنیان‌های ژئوکالچر دو مدرسه علیگره و دیوبندیه در شبه‌قاره هند

اسماء رضایی - دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

دکتر فاطمه جان‌احمدی* - استاد گروه تاریخ، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۱۱

<https://doi.org/10.22034/igq.2024.181588>

چکیده

تاسیس دو مدرسه دیوبندیه و علیگره در اوتارپرادش هند متأثر از عوامل ژئوپلیتیک فرهنگی تحولات بسیاری را در منطقه برجای نهاد. مطالعه دستاوردهای علمی متفاوت این دو مدرسه؛ به همراه جریان‌سازی اسلامی و تاثیرگذاری بر جریان‌های فکری معاصر در کنار رقابت میان آنها، پرسش مهمی را برانگیخت که چه عواملی موجب شد تا در این منطقه که مورد احترام بوداییان، هندوان و مسلمانان بود، دو اندیشکده متمایز شکل بگیرد؟ پژوهش حاضر به روش تاریخی، تطبیقی - تحلیلی با رویکرد ژئوکالچر به واکاوی عوامل و علل ساخت این دو مدرسه بر اساس بنیان‌های ژئوپلیتیک فرهنگی پرداخت و نشان داد که در کنار تفاوت دیدگاه این دو مدرسه که ناشی از تمایزات فرهنگی و تقابلات مذهبی بود، عوامل بنیادینی چون تاثیر گسترش اسلام، حضور فعال علمای مسلمان به مثابه سازماندهندگان فضای گفتان دینی، حضور اقلیتی از بومیان به عنوان کارگزاران سنت در فضای گفتمان مذهبی، نفوذ انگلستان به عنوان بازیگران سیاسی خارج از فضای گفتمانی موثر بودند.

واژه‌های کلیدی: شبه‌قاره هند، دیوبندیه، علیگره، جغرافیا، انگلیس، ژئوکالچر.

۱. مقدمه

در زمره مهم‌ترین پیامدهای شورش همه‌گیر سال ۱۸۵۷م در شبه‌قاره هند فرگشت فرهنگ اسلامی به مدرنیسم بود که توسط سرسید احمدخان با جنبش علیگره همراه بود. پس از شورش ۱۸۵۷م مسلمانان در سال ۱۸۶۷م موسسه آموزشی به نام دیوبندیه را تاسیس کردند که این نهاد در حفظ فرهنگ مسلمانان و سهم بسزایی داشت با این حال تنها به گذشته اسلام فکر می‌کرد تا نیاز حال معاصر مسلمانان بعد از ساخت مدرسه دیوبندیه توسط نانوتوی، سرسید احمدخان نیز از روشنفکران مسلمانی بود که به‌خوبی از اوضاع خلافت عثمانی، شرایط بد مسلمانان هند، مشکلات سیاسی خارجی و داخلی شبه‌قاره و همچنین رشد و قدرت‌گیری هندوها آگاه بود. او به‌خوبی می‌دانست که این شورش نقطه عطف مهمی در تاریخ هندوستان خواهد بود، چرا که بریتانیا قدرت نظامی و سیاسی خود را در این کشور تثبیت کرد و از طرفی تغییرات اساسی در کنترل هندوستان را نیز ایجاد نموده است. حال اگر حکومت انگلیس در آن شرایط از هند خارج می‌شد، جامعه اقلیت مسلمان، محکوم به پذیرش نیروی هندوها می‌شد، در نتیجه این جامعه اقلیت سرعت از میان می‌رفت. به همین علت او حرکت خود را با نهضت علیگره آغاز کرد. او فراگرفتن علوم جدید و استفاده از تفکر عقلانی را برای جوانان الزامی می‌دانست، زیرا در غیر این صورت این جامعه مسلمان هند بود که در مقابله با حوادث آینده از میان خواهد رفت. از این‌روی وی در سال ۱۸۷۵م به تأسیس دانشکده‌ای به شکل مدارس جدید به نام "کالج اسلامی انگلیسی شرقی" برای مسلمانان اقدام کرد که در این کالج علوم و فنون جدید و علوم اسلامی در آن تدریس می‌شد. بعدها این کالج گسترش پیدا کرد و نام آن به دانشگاه اسلامی علیگره تغییر پیدا کرد. در آن برهه زمانی، عقاید سرسید احمدخان با علمای دینی و سنت‌گرا سازگار نبود، چراکه نگرش وی عقلی و بیشتر به دیدگاه‌های معتزلی نزدیک بود. اگرچه علمای سنت‌گرا نیز در برابر اقدامات سرسید احمدخان ساکت نشستند و به تعقل‌گرایی وی و همفکرانش اعتراض نمودند. به همین دلیل هم بود که به او و همفکرانش نیچری یا طبیعت‌گرا لقب دادند. از طرفی یکی از مدارس بزرگ دینی به نام دارالعلم دیوبندیه در هند تأسیس شد که به ترویج علوم قدیمی به‌روش سنتی می‌پرداخت و به مسئله وحدت، مرکزیت جهان اسلام و خلافت

عثمانی توجه ویژه‌ای داشت. دیوبندیه در میان توده مردم طرفداران بسیاری داشت. البته ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که انگلیسی‌ها در بزرگ جلوه‌دادن خلافت عثمانی در انظار مسلمانان و ترغیب آنان نقش مؤثری داشتند (Pakatchi, 2011: 579). زیرا سیاست بریتانیا در آن زمان اقتضا می‌کرد تا مسلمانان این منطقه را به مسائل خارج از هند همچون خلافت عثمانی معطوف کنند و از این طریق اهداف خود را در داخل هندوستان پیش ببرند. پس از شورش ۱۸۵۷م گرایش‌هایی به سمت تجزیه‌طلبی شکل گرفت که هدف از این گرایش‌ها جلوگیری از آمیزش و ترک اسلام با آیین هندو بود. در واقع پس از تشکیل کنگره ملی که بیشتر در دست هندوها بود، مسلمانان به تأسیس مسلم لیگ اقدام کردند. اعضای مسلم لیگ بر این نظریه تأکید داشتند که یک دولت اسلامی مستقل در شبه‌قاره هند تأسیس شود تا حکومت مسلمانان تابع هیچ حکومت غیراسلامی نباشد. به همین دلیل جنبش‌های احیای پان‌اسلامیسم در کشور مستقل پاکستان ایجاد شد.

بدین ترتیب پژوهش حاضر با هدف بررسی و تبیین عوامل ژئوکالچر، تحولات جغرافیایی و مذهبی در اوتارپرادش شبه‌قاره هند، درصدد پاسخ به این سؤال است که: چه عواملی موجب شده است تا دو مدرسه با دو دیدگاه متفاوت در یک منطقه جغرافیایی ژئواستراتژیک واحد هم‌چون اوتارپرادش، تأسیس شوند؟ در پاسخ اولیه به این پرسش فرضیه مطرح عبارت است از این که: عوامل متعددی چون موقعیت جغرافیایی، مذهبی، وضعیت ژئوپلیتیک فرهنگی، وزن بالای ژئوپلیتیک سیاسی، رابطه قدرت میان مسلمانان، بومیان، حاکمیت سیاسی و نفوذ قدرت خارجی (انگلیس) و از همه مهم‌تر نقش ایالت اوتارپرادش در شورش علیه انگلستان اثرگذار بوده است.

۲. روش تحقیق

روش پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت تاریخی، توصیفی، تطبیقی و تحلیلی است و از نظر نوع تحقیق بنیادی است. قصد بر آن است که ضمن بررسی تاریخی زمینه‌های شکل‌گیری دو مدرسه دیوبندیه و علی‌گره، با رویکرد ژئوکالچر، به تبیین نقش مذهب، سیاست و قدرت در شکل‌دادن فضای فکری جامعه علمی این دو مدرسه در فضای جغرافیایی مشخصی چون اوتارپرادش

پرداخته شود. همچنین گردآوری اطلاعات و داده‌های این پژوهش مبتنی بر موضوع تاریخی، کتابخانه‌ای و متکی بر منابع و اسناد آرشیوی و اینترنتی است.

۳. چارچوب نظری تحقیق

۳-۱. تبیین مفهوم ژئوپلیتیک و ژئوکالچر و کاربست آن در مطالعات تاریخی

پیوند میان دانش ژئوپلیتیک و تاریخ پیوندی ناگسستنی است و بسیاری از موضوعات مطرح در تحلیل‌های ژئوپلیتیک، مرتبط با تاریخ هستند (Janahmadi and zargar, 2022: 105). در خصوص تبار واژه ژئوپلیتیک نظرات متعددی وجود دارد، اما به نظر برای اولین بار توسط ردولف شین دانشمند سوئدی در سال ۱۸۹۹م مطرح شد (Hafeznia, 2017: 29). با این حال تحول آن و کاربستش به مثابه یک اصطلاح کلیدی و به معنای ارتباط بین جغرافیا و سیاست فرایندی زماندار، طولانی و پرفراز و نشیب بود (Hafeznia and Ezati, 2013: 21). این تحول معنایی موجب شد تا برخی ژئوپلیتیک را یک رویکرد، علم، استراتژی و گفتمان و عده‌ای دیگر آن را کاربرد روابط فضای جغرافیا با سیاست بدانند (Shakouei, 2015: 274). برخی دیگر با اذعان به گستردگی موضوع علم ژئوپلیتیک و دامنه‌دار بودن مفاهیم آن، تلاش کردند این اصلاح مفهومی را دانش کسب قدرت، دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ، دانش مناطق بحرانی، تأثیر عوامل خارجی بر قدرت سیاسی، دانش روابط قدرت نیز مطرح کنند (Madanipour, 2016: 5). لیکن همه اندیشمندان این حوزه موضوع ژئوپلیتیک را در روابط متقابل جغرافیا، سیاست، قدرت خلاصه کردند و الگوهای رفتاری ناشی از ترکیب آن‌ها را در ذیل این دانش گرد آورده‌اند (Hafeznia, 2017: 29). علاوه بر این کسانی چون هارتشون^۱، عزت‌الله عزتی و کلاز دادز^۲ و سن^۳ تعاریف متعددی در خصوص ژئوپلیتیک بیان کرده‌اند که می‌توان از آن تعاریف چنان برداشت کرد که جغرافیا بر سیاست، امور بین‌الملل، مسائل نظامی، استراتژیک و بر روی ساختار قدرت و رقابت‌های جهانی موثر است. به صورت کلی باید گفت که در ژئوپلیتیک جغرافیا،

1.Hartshorne

2.Dodds

3.Sen

سیاست و قدرت سه مولفه اصلی هستند و پس از ترکیب این سه عنصر علم ژئوپلیتیک روابط متقابل میان این سه عنصر و نتایج ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر بررسی می‌کند (Aazami, 2006: 155). به عبارت دیگر فضا، آب، خاک، جمعیت، روابط بین‌المللی، سیاست، قدرت، روابط اجتماعی و غیره در زیر مجموعه تعریف ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد (19). Mossalanejad, 2020: 5)، همه این عناصر در مطالعات تاریخی بویژه جغرافیای تاریخی قابل رصد و مورد استناد هستند. بر این اساس مطالعات تاریخی متکی بر رویکردهای جغرافیایی می‌تواند بخش عمده‌ای از تحقیقات مهم قابل استناد و منجر به حل مساله را پوشش دهد. ژئوکالچر بیان‌گر تعامل پیچیده و دوسویه میان عوامل جغرافیایی و فرهنگی در تشکیل و تحول مناطق و جوامع مختلف است (Hafeznia, 2017: 177). ژئوکالچر از مبانی تئوریک حوزه مطالعات ژئوپلیتیک می‌باشد که درصدد فهم و تحلیل تأثیرات متقابل سیاست و فرهنگ می‌باشد. جغرافیای فرهنگی هر ناحیه جغرافیایی با توجه به شرایط زمانی و مکانی و... ژئوپلیتیک خاص خود را رقم می‌زند (Papoli Yazdi, 2004: 45). ویژگی‌های فرهنگی از قبیل هویت مذهبی، زبانی، قومی و... می‌توانند بسترساز بازی‌های سیاسی ویژه‌ای گردند و بازخوردها و خروجی‌های سیاسی خاصی را در پی داشته باشند (Amiri and Fllah Nejad, 2018: 59). به عبارتی دیگر ژئوکالچر به معنای استفاده از عناصر فرهنگی در راستای ایجاد مکان بازی، برای بازیگران قدرت می‌باشد. از این منظر می‌توان ژئوکالچر را استفاده از فرهنگ و فراورده‌های فرهنگی در راستای کسب قدرت، ایجاد حوزه نفوذ حفاظت از حوزه نفوذ تعریف کرد. در مفهوم ژئوکالچر، جغرافیا و فرهنگ به عنوان دو عامل اساسی در تعیین شکل و نحوه زندگی مردم در یک منطقه در نظر گرفته می‌شود که این تعاملات می‌تواند تأثیرات زیادی بروی عادت، زبان، مذهب، هنر، معماری، سیاست و سایر جوانب فرهنگی و اجتماعی داشته باشد. کشوری که از داشته فرهنگی خود استفاده می‌کند را ژئوکالچر می‌دانند. جغرافیای منطقه‌ای می‌تواند تأثیراتی در شیوه زندگی مردم، تجارت، مهاجرت و تشکیل شهرها و روستاها داشته باشد. از سوی دیگر فرهنگ و اعتقادات مردم نیز می‌تواند شکل‌دهنده ویژگی‌های جغرافیایی منطقه شوند. بدین ترتیب استفاده از دیدگاه‌های ژئوکالچر و ژئوپلیتیک در تاریخ می‌تواند به تفسیر و تحلیل رویدادها و فرآیندهای

تاریخی کمک کند. برای نمونه دیدگاه ژئوکالچر می‌تواند در تبیین تاثیر فرهنگ و تمدن بر فرآیندهای تاریخی مفید باشد، همچون مطالعه تاثیر ادیان بزرگی چون اسلام، بودا و مسیحیت در تاریخ و سیاست مناطق مختلف جهان. دیدگاه ژئوپلیتیک نیز می‌تواند به تحلیل تاثیرات عوامل طبیعی مانند زلزله، بلاهای طبیعی و محیط زیست بر تاریخ کمک کند. برای نمونه مطالعه تاثیر آب و هوا و منابع طبیعی بر تاریخ کشورهای خاورمیانه بسیار حائز اهمیت است. در کل هر دو دیدگاه ژئوپلیتیک و ژئوکالچر در تاریخ می‌تواند به تفسیر و تحلیل عمیق‌تر و جامع‌تری از رویدادها و فرآیندهای تاریخی کمک کند.

۴. یافته‌های تحقیق

۴-۱. محیط‌شناسی پژوهش

هند: بی‌تردید بدون شناخت مباحث ژئوکالچر نمی‌توان به کیفیت، ویژگی و نوع روابط بین بازیگران این دو مدرسه در ناحیه اوتارپرادش هند پرداخت. از طرفی موقعیت طبیعی و جغرافیایی هر منطقه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات و حوادث تاریخی آن منطقه دارد (Sadeghi, 2017:3). شبه‌قاره هند به علت موقعیت جغرافیایی ممتاز، وضعیت ژئوکالچر و همچنین وزن بالای ژئوپلیتیکی که شامل؛ جمعیت، وسعت و غیره در طول تاریخ مورد توجه اقوام مختلف بوده است. جغرافی دانان مسلمان قرون میانه واژه هند را به مناطقی واقع در شرق ایندوس^۱ به کار می‌بردند. در واقع واژه هند به تنهایی نمی‌تواند تمام این منطقه را پوشش دهد، به همین علت این واژه را در کنار سند به کار برده‌اند و این بیانگر کل هند قرون میانه است. ابوریحان بیرونی، هند را بخشی از قاره شمالی یعنی آسیا و هم‌مرز با اقیانوس کبیر معرفی کرده است (AI- biruni, 1910:197). او به وضعیت جغرافیایی، دشت‌ها، جلگه‌ها، کوه‌های مرتفع، آب رودخانه‌ها، آبراه‌های دریایی که میان خلیج فارس و چین قرار داشت، اشاره می‌کند. عمده جغرافی دانان در کنار شرح آب‌وهوای هند زیادی باران و بارش‌های جوی شمال هند را توصیف کرده‌اند (The Encyclopaedia of Islam, 1986:39). از دیگر امتیازات جغرافیای طبیعی شبه‌قاره هند،

۱. به زبان سانسکریت، شامل هند و سند باستان می‌شود.

رودخانه‌های فراوان مانند گنگ با زیستگاه جانوری متنوع، وفور منابع طبیعی، معدنی و نفتی است. این امر در ژئوپلیتیک محیط‌زیست هند بسیار مورد توجه است. در حال حاضر قلمرو ژئوپلیتیکی هند شامل جنوب آسیا است که همسایگی پاکستان، چین، برمه، بنگلادش، بوتان و نپال را در کنار خود دارد که همین امر (Yazdanpanah, 2015:340) بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی آن افزوده است. تسلط و همجواری با اقیانوس هند از جنوب و تسلط بر خلیج عرب، و خلیج بنگال به توسعه نفوذ آبی این سرزمین منجر شده است. وسعت ارضی این کشور آن را هفتمین کشور دنیا از نظر بزرگی قرار داده است. از طرفی پهناوری سرزمین هند سبب شده است تا دومین کشور پرجمعیت جهان با تنوع نژادی، مذهبی و فرهنگی شود. همین جمعیت زیاد یکی از نکات مثبت در وزن ژئوپلیتیکی این سرزمین محسوب می‌شود. در واقع وزن ژئوپلیتیکی یکی از عناصر اصلی و بااهمیت در ترسیم ژئوپلیتیک است. بنابراین وزن ژئوپلیتیکی، رقابت‌های فرهنگی و فضای سیاسی در ایالت اوتارپرادش هند منجر به تاسیس این دو مدرسه مهم شد چرا که این ایالت همواره منطقه‌ای با تنوع فرهنگی و مذهبی و متأثر از گفتمان دینی و نیز به دلیل حضور اقلیتی از بومیان تحت تاثیر گفتمان سنتی بوده است و جمعیت زیاد مسلمانان در این ایالت موجب شکل‌گیری نهادهای آموزشی متعدد بویژه ساخت این دو مدرسه شد. زیرا عنصر فرهنگی و مذهبی در هند نقش بسترسازی را ایفاء می‌کند و همین امر سبب می‌شود تا انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده‌های سیاسی و تأثیر آن بر سطح قدرت مورد توجه قرارگیرد.

اوتارپرادش: بیشتر ساکنان ایالت اوتارپرادش هندو مذهب هستند، اما در کنار این جمعیت، مسلمانان اعم از سنی و شیعه نیز به‌عنوان اقلیتی بزرگ در این ایالت زندگی می‌کنند. جمعیت هندو و مسلمان در طول تاریخ همواره در کنار یکدیگر زندگی مسالمت‌آمیز و گاه پرتنش را تجربه کرده‌اند و بخش‌هایی از این ایالت مورد احترام این دو گروه مذهبی است (Boroujerdi, 1993:45). در واقع تاریخ این ایالت و وجود شهری چون آگره که در ابتدا پایتخت قدیمی هند بوده و از طرفی قرار گرفتن تاج‌محل به عنوان میراث اسلامی در این منطقه موجبات همگرایی مسلمانان و بوداییان را فراهم کرده است.

مدرسه دیوبندیه: شهر دیوبند شهری از توابع سهارنپور و مظفرنگر در نود مایلی شمال شرقی دهلی از توابع ایالت اوتارپرادش هند است. واژه دئوبند تلفظ هندی این واژه است که در زبان اردو به آن دوبند گفته شده و اکنون با اندکی تسامح به آن دیوبندیه می‌گویند. این شهر به دلیل تأسیس مدرسه دیوبندیه، به شهرتی جهانی دست یافته است. جمعیت اندک آن پس از ساخت این مدرسه فزونی یافت و بر اهمیتش افزوده شد (Nanautawi, 1884: 34). زبان رسمی این شهر و مدرسه به اردو است. مطابق گزارش‌های موجود بنیاد دارالعلوم دیوبندیه در مسجد قدیمی چتا نهاده شد. ساخت این مسجد کهن به عصر افغان‌های هند بازمی‌گردد. این مسجد به دلیل دارا بودن موقعیت مکانی مناسب به سرعت گسترش یافت (Hooshangei, 2012: 120). تأسیس دارالعلوم هم در این مسجد بر وسعت و شهرتش افزود. زیرا با افزایش جمعیت مسلمان سنی مذهب این شهر که عامل مهمی در وزن ژئوپلیتیکی محسوب می‌شود تکاپوهای فرهنگ اسلامی فزونی گرفت. آمارهای موجود حاکی از آن است که شصت درصد جمعیت این شهر مسلمان‌اند و غالباً حنفی مذهب و پیرو مکتب دئوبندیه‌اند (AI-kawthari, 2020: 44). علاوه بر شرایط داخلی شبه‌قاره باید به زمینه شکل‌گیری تاریخی این مدرسه در فضای فرهنگی قرن نوزدهم میلادی نیز توجه داشت. زیرا دقیقاً بعد از تسلط بریتانیا بر شبه‌قاره هند این مدرسه ساخته شد. حضور استعمار بریتانیا به عنوان بازیگر سیاسی فرا منطقه‌ای خارج از فضای گفتمانی هند، موجبات واکنش نخبگان و علما هندی، به مثابه سازماندهندگان فضای گفتان دینی را فراهم آورد. علی‌رغم مواضع مختلف این جماعت، برخی فعالانه مواضع مبارزه‌جویانه و سیاسی اتخاذ کردند و عده‌ای دیگر تمرکز عملی خود را بر توسعه فرهنگی، اجتماعی و آموزشی منطقه نهادند. براین اساس جنبش‌های مختلفی شکل گرفت از جمله، جنبش مستقل نخبگان و علما در قرن نوزدهم و بیستم که عمده تلاش آنها برای کسب استقلال و خلاصی از استعمار بریتانیا بود. از سوی دیگر برخی از نخبگان هند به دنبال اصلاح ساختار و توسعه نظام آموزشی بودند تا با آگاهی بخشی و توسعه دانش بتوانند در برابر استعمار مقاومت کنند. آنها با تمسک به هژمونی مذهبی و آیینی مسلمانان در منطقه اوتارپرادش، سعی کردند تا زیرساخت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی را ارتقاء و بهبود بخشند. علما و نخبگان هند دریافتند که با انتشار آگاهی و توسعه آموزش و

تاسیس مدارس می‌توانند بر قدرت استعمار فائق آیند. بنابراین عمده فعالیت‌های خود را بر تولید کتاب و مقالات متعدد درباره فرهنگ و تاریخ هند، هنر، ادبیات و علوم متمرکز کردند. افزون بر این سازمان‌ها و جمعیت‌های مبارزه‌جو اقدامات سیاسی را برای کسب استقلال انجام دادند، شکل‌گیری کنگره هند، لیگ مسلمانان هند و انجمن توده‌های کشاورز در همین جهت بود (Jaffrelot, 2012:22). در خصوص فعالیت‌های ادبی و فرهنگی نخبگان و علمای هند، باید گفت که آنها تلاش کردند تا هویت فرهنگی و تاریخی هند را تقویت کنند تا به آشکارسازی سوءاستفاده‌های بریتانیا از منابع عظیم سرزمین هند پردازند. ناگفته نماند برخی از علما و نخبگان جامعه هندی از هر گونه فعالیت‌های خشونت‌آمیز علیه بریتانیا، مردم را منع می‌کردند، آنها با استفاده از اصولی مانند عصیان مدنی، اعتصاب و تحریم‌های اقتصادی، تلاش کردند تا استعمار را به چالش بکشانند. این واکنش‌ها و حرکات نخبگان و علمای هند نشان از تلاش متنوعی برای استقلال هند و مقاومت در برابر استعمار بریتانیا دارد. گرچه ثمره این تکاپوها، به استقلال هند در سال ۱۹۴۷ منجر شد و سپس تاسیس کشوری جدید به نام پاکستان شد، اما کماکان نتایج شکست مسلمانان در قیام ۱۸۵۷ م در هند و غلبه استعمار غرب بر این منطقه اثرات مخرب خود را برجای نهاده بود. تاسیس مدرسه دیوبندی، در این شهر به‌دست مولانا محمد قاسم نانوتوی در سال ۱۸۶۷ م واکنشی فرهنگی در برابر استعمار انگلیس برای رفع ضعف علمی مسلمانان بود. هرچند هدف از ساخت این مدرسه، تقویت مبانی اسلام، بازگشت به سلف صالح و موضع‌گیری تند در برابر سیاست استعماری بریتانیا قلمداد شده است (Maqari Tayyeb, 1979:30). لیکن اهداف فرهنگی غنی‌تر و پربارتری از تاسیس آن متصور بود. چنان‌که منابع تاکید کرده‌اند، قاسم نانوتوی مدرسه دیوبندی را بنیان نهاد تا از ارتباط مسلمانان با غیرمسلمانان جلوگیری کند. وی پیوسته تأکید بر علوم سنتی و هویت دینی خود مسلمانان را داشت (Nanautawi, 1884:54). تشکیل کلاس درس تنها با یک طلبه و استاد حاکی از عزم جزم بنیانگذاران این مدرسه بود، هرچند بعدها بر تعداد طلبه‌های آن افزوده شد (Razavi, 2012:75) و رفته رفته توسعه یافت.

مدرسه علیگره: (Aligarh Muslim University) ترکیب نام این شهر نشان از ابعاد اسلام‌گرایی و رواج تشیع در این منطقه دارد، چنان‌که پسوند "گر" به معنی شهر و علی نیز برگرفته از نام امام اول شیعیان است، بنابراین معنای لغوی آن "شهر علی" است (Hekmat, 2018: 123). شهر علیگره که در جنوب شرقی دهلی قرار دارد، دارای آب و هوای گرم و خشک و در زمستان سرد و خشک است. تا قبل از نفوذ اسلام در این منطقه، به شهر علیگره و اطراف آن "کول" می‌گفتند، بودایی‌های پیرو کیش هندو، در این منطقه نفوذ فراوانی داشتند. در ابتدای سده ۱۲م، قطب‌الدین آیبک علیگره را فتح کرد و برای نخستین بار اسلام وارد این منطقه شد (Sadeghi, 2017: 65). نام شهر علیگر را فرمانروای شیعه به نام میرزا نجف خان بر این شهر نهاد. ابن بطوطه که شهر علیگره را از نزدیک مشاهده کرده است، می‌نویسد: «گرداگرد آن شهر نیکو را درختان انبه فرا گرفته است، به همین علت به این شهر سبزستان می‌گویند» (Ibn Battuta, 1995: 139). شهر علیگره از دوران حکومت‌های اسلامی سلاطین دهلی تا دوره تسلط گورکانین هند، توسط حاکمان مسلمان اداره می‌شد. این شهر بعدها مورد توجه مغولان هندی قرار گرفت. چنان‌که از اسم این شهر برمی‌آید، اکثر جمعیت علیگر را مسلمانان تشکیل می‌دادند و اقلیتی از غیرمسلمانان در آنجا ساکن‌اند. اکثریت مسلمانان اهل سنت و اقلیتی از آنان شیعه مذهب‌اند. بدین ترتیب فضای شهر کاملاً اسلامی است. در واقع به دلیل وزن ژئوپلیتیکی که جمعیت یکی از عناصر مهم آن محسوب می‌شود، در شهر علیگر هژمونی گفتمان اسلامی مسلط بود. وجود کثرتی از مسلمانان اصلاح‌طلب در ایالت اوتارپرادش موجب شد تا تکاپوهای استقلال‌طلبانه علیه انگلستان شکل گیرد. زمانی که مسلمانان در این قیام شکست خوردند، قدرت انگلستان تثبیت شد. دولت انگلیس برای حفظ هندوستان تغییراتی را در نحوه کنترل این شهر ایجاد کرد. یکی از این تغییرات تشکیل کنگره ملی بود که بیشترین جمعیت این کنگره، از هندوها بود. در نتیجه سرسید احمدخان که شاهد رفتار خشن انگلیسی‌ها با مسلمانان دهلی بود، برای جبران عقب‌ماندگی مسلمانان و رشد و آشنایی آنان با علوم و فنون جدید، نهضت آموزشی علیگره را بنیان نهاد. باید توجه داشت که فضای شهری علیگره در ساخت این مدرسه، تأثیر بسیار مهمی داشته است. چراکه مکان و فضای این شهر یکی از عناصر اصلی در ژئوپلیتیک و

جغرافیای شهری است، فضای و گفتمان اسلامی و جمعیت چشمگیر مسلمانان با مذهب اهل تسنن، آزادگی آنان از رفتار خشن انگلیسی‌ها با مسلمانان و از طرفی عقب‌ماندگی مسلمانان در زمینه علوم و فنون جدید، راه را برای ساخت این مرکز آموزشی در شهر علیگر فراهم کرد. افزون بر این نباید نقش فرماندهی استعمار انگلستان را در کمک به این مدرسه نادیده گرفت، زیرا سر سید احمد خان توانست با استخدام کارمندان، استادان انگلیسی و دریافت کمک‌های مالی از آنها برای بقاء و پیشرفت مدرسه تلاش کند. در همین راستا نفوذ دولت بریتانیا نیز در این منطقه تثبیت شد. بنابراین انگلستان نیز فرصت را غنیمت شمرد تا در راستای کسب قدرت خود از این مدرسه علمی حمایت کند.



(Source: www.mapsofindia.com/maps/uttarpradesh/uttar-pradesh-district.htm)

۲-۴. قوم‌نگاری مسلمانان در هند

جمعیت مسلمانان در مناطقی که اسلام زودتر به آنجا راه یافته است، بیشتر است. این مناطق شامل ایالت‌های شمالی، بنگال غربی، بهار و اوتارپرادش است. البته مسلمانان در مناطقی مانند کشمیر و جامو نیز حضور دارند (Mathur and Raj:2023). مسلمانان در هر منطقه زبانی، به گویش محلی همان‌جا صحبت می‌کنند، البته به دلیل آن‌که بیشتر آنان تحت حاکمیت و سلطه سلاطین مسلمان بوده‌اند به زبان اردو سخن می‌گفتند (Sadeghi Alavi,2017:13). حضور مسلمانان در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و میزان مشارکت آنها در فعالیت‌های اجتماعی بسته به پایگاه اجتماعی قبیله هندویی که از آن به اسلام درآمده‌اند، متفاوت است. اما تمایزی اجتماعی

میان عموم مسلمانان وجود دارد و این تمایز آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند، نخست طبقه اشراف هستند، این دسته شامل مسلمانانی هستند که اجدادشان بیگانه بوده‌اند. دوم، نوادگان مسلمان شدگان محلی. تقسیم اشراف به سید، مغول، پتن، شیخ در سراسر شبه‌قاره رسمیت دارد. سیدها کسانی هستند که نسل آن‌ها از طریق حضرت فاطمه (س) به حضرت رسول می‌رسد. شیخ نیز به کسانی گفته می‌شود که از نسل نخستین مسلمانان مکه و مدینه هستند. مغول‌ها در قالب سپاهیان سلسله‌ای وارد این شبه‌قاره شده‌اند (Boroujerdi, 1993:42). در انتها نیز پتن‌ها هستند که از قبایل پشتو زبان ناحیه شمال غربی پاکستان و افغانستان وارد شبه‌قاره شده‌اند. در کنار این گروه‌ها جمعیت‌های غیراشراف نیز وجود دارند که نام خاصی ندارند. البته شایان توجه است برخی ویژگی‌های سازمان اجتماعی مسلمانان با رفتارهای اسلام راستین مغایرت دارد. اکثریت مسلمانان شبه‌قاره هند اهل سنت‌اند. چیزی در حدود دو سوم جمعیت مسلمان آن، تابع مذهب حنفی و فقه شافعی هستند که در شبه‌قاره بیشتر میان مایله‌ها^۱ دیده شده است. اهل سنت در شبه‌قاره به‌خصوص در ناحیه اتارپرداش دارای گرایش وهابی هستند (The Encyclopaedia of Islam, 1986:42). با این حال در ناحیه اتارپرداش جمعیت شیعه اثنی‌عشری نیز وجود دارد که مرکز اصلی آنان شهر لکنهو است. جریان‌های فکری کوچک‌تری و طریقت‌های متعددی نیز در شبه‌قاره حضور دارند که پیرو فرقه‌های مذهبی چون احمدیه، قادریه، چشتیه و غیره بوده و مشغول به تبلیغ و دعوت آیین خود هستند (Percival, 2008:66).

۳-۴. نفوذ اسلام و اسلام‌گرایی در هند و ایالت اتارپرداش

سرزمین هند یکی از قدیمی‌ترین کشورهای جهان اسلام و از حوزه‌های با اهمیت تاریخ اسلام است. فتح سند و ورود بسیاری از مسلمانان و سکونت دائمی آنان در سند سبب ارتباط با مردم شبه‌قاره شد. البته ایرانیان نیز چه قبل و چه بعد از اسلام به‌صورت مداوم به هند مهاجرت می‌کردند، چرا که ایران همسایه نزدیک هند بود و از دو طرف به‌علت داشتن مشترکات تاریخی، فرهنگی و زبانی، بسیاری از دستاوردهای علمی و فرهنگی جزء مبادلات بین دو کشور بوده

۱. ازدواج میان بازرگانان عرب و زنان محلی می‌باشد که فرزندان آنها به مذهب شافعی روی آورده‌اند.

است (Nemati and Yari, 2009:135). اما این نفوذ و گسترش اسلام در حوزه سند و سپس در خود هند، معلول مهاجرت گروه‌هایی از مسلمانان همچون تجار، صوفیان، علما و غیره بود. در ابتدا تصرف سند با لشکرکشی نظامی آغاز شد. حتی جنگ و خونریزی از طرف مسلمانان در ناحیه دیبل چنان فراوان بود که مردم از اسلام متنفر شده بودند، زیرا مردم شبه‌قاره کاملاً مخالف جنگ و خونریزی بودند. به‌طور کلی فتوحات مسلمانان در سرزمین‌های غربی هند به‌صورت لشکرکشی منظم و سیاسی در اواخر سده یکم هجری در زمان حکومت حجاج بن یوسف ثقفی آغاز شده بود (AI-kawthari, 2020:44). در کنار این عوامل باید به فتوحات مسلمانان نیز در این منطقه توجه کرد. نخستین فتوحات مسلمانان در این منطقه به زمان خلافت خلیفه دوم عمر بن خطاب به سال ۱۵ه.ق برمی‌گردد که عثمان بن ابی العاص ثقفی به بندر دیبل حمله کرد (Balazari, 2018:602). در دوران خلافت خلیفه دوم تا ایام خلافت عبدالملک بن مروان، چندین بار سپاهیان اسلام به حدود مکران و سند حمله و تا قسمتی از آنجا را تصرف کرده بودند. سپس در زمان خلافت عثمان، حکیم بن بجله عبدی را به این ناحیه فرستاده شد. او هند را این‌گونه توصیف می‌کند: آبش اندک، میوه‌اش خرما و خرک و دزدش بی‌باک است (Qazvini, 2005:194). در دوره خلافت امام علی (ع) نیز فردی عازم شبه‌قاره هند شد. اما فتوحات به‌طور منظم در دوره حجاج آغاز شد. وی داماد خود محمد بن قاسم را از طریق کرمان و فارس روانه سند کرد. بدین ترتیب مسلمانان توانستند در مدت کمتر از یک‌سال مناطقی همچون پنجاب، ملتان و سند را به تصرف خود درآورند. بدین‌گونه این مناطق جزء سرزمین اسلامی شدند و از طرفی مسلمانان در این مناطق به ساخت مسجد و مدارس پرداختند و با مهاجرت گروه‌های اعراب به این منطقه، اسلام در میان بومیان رسوخ پیدا کرد (Hekmat, 2018:13). بیشتر این بلاد توسط غزنویان و غوریان در دوره خلافت امویان و عباسیان فتح شد. در واقع در دوره امویان توجه بیشتری به این منطقه شده است. غزنویان بر قسمت غرب هند مسلط شدند، سپس غوریان بر کل ممالک هند تسلط پیدا کردند تا اینکه گورکانیان در هند وارث غوریان شدند (Pirnia Ashtiyani, 2001:301). اما همان‌گونه که گفته شد این سرزمین قبل از فتح نظامی به‌صورت مسالمت‌آمیز جزئی از قلمرو اسلامی به‌حساب می‌آمد. از طرفی با تصرف سند به‌دست مسلمانان گروهی از بازرگانان و

صوفیان در منطقه مستقر شدند که هدف آنان ایجاد زندگی مسالمت‌آمیز همراه با تعامل فکری و فرهنگی بود. همین امر سبب گشت تا بومیان منطقه با اسلام آشنا شوند. روی هم‌رفته می‌توان ادعا کرد که شبه‌قاره هند به‌طور کلی از جمله مناطقی است که اسلام به‌صورت مسالمت‌آمیز در آن وارد شده‌است. به‌عبارت دیگر گرایش مردم این منطقه به دین اسلام با خواست و اراده بوده و امری جبری و قهری نبوده‌است.

۴-۴. عوامل نفوذ اسلام در هندوستان

۴-۴-۱. ماهیت دین اسلام

از دلایل گسترش دین اسلام نه تنها در هند بلکه در سایر سرزمین‌هایی که بواسطه فتوح در آنجا رواج یافت، ماهیت آن است، رویکردهای آیینی، سهل‌گیری در مناسک، کاربست مفاهیم اجتماعی چون عدالت، اخوت، مساوات و انبوهی از پیام‌های خیرخواهانه دنیوی و اخروی، موجب می‌شد تا جماعت خداخواه به اسلام بگردند. در نتیجه زمانی که این دین وارد منطقه‌ای می‌شد، طبقات فرودست که به‌طور معمول اکثریت جوامع را تشکیل می‌دادند. با توجه به احکام این دین که آنان را هم‌ردیف طبقات فرادست قرار می‌داد در پی گم‌شده خود یعنی عدالت، مساوات و البته سایر مفاهیم و پیام‌هایی که در کلام خدا یعنی قرآن و یا در منش مسلمانان متقدم یعنی راستگویی، صداقت، عدالت و باورمندی به جامعه‌ای فاقد طبقه و همه آنچه اسلام وعده داده بود، به اسلام می‌گرویدند. مبلغان مسلمان به عنوان منادیان آخرین دین آسمانی در سرزمین هند با جامعه‌ای چند تکه و البته با فرهنگ بسته که متکی بر نظام طبقاتی یا همان نظام کاستی^۱ مواجهه بودند. جامعه‌ای که طبقات پایین و فرودست آن مانند شودراها از حقوق اجتماعی بشدت محروم بودند (Sadeghi Alavi, 2017:28). برعکس اشرف یا کشاتریاها از حقوقی بلامنازع مادی و معنوی برخوردار بودند. طبعاً تضاد میان این طبقات با دعوت مسلمانان به خدای واحد معنایی دیگری می‌یافت. بنابراین گروهش به اسلام با شعارها، آیین‌ها، مناسک و آداب اجتماعی متفاوت جذابیت بیشتری داشت. مطابق گزارش‌های موجود تاریخی افزایش جمعیت مسلمانان در بخش‌های جنوبی هند سبب ترویج و تبلیغ دین اسلام در میان جوامع غیرمسلمان

شد و از طرفی درگیری میان هندوها و بوداییان سبب شد تا مردمان آن منطقه به اسلام متمایل بیشتری بیابند.

۴-۴-۲. تجارت

یکی از ابعاد فضای جغرافیایی، اقتصاد است که از مولفه‌های قدرت هم بشمار می‌آید. از این رو ژئوپلیتیک به‌طور ذاتی در دو عنصر از سه عنصر تشکیل‌دهنده خود، یعنی جغرافیا و قدرت با اقتصاد پیوند می‌خورده است. بنابراین چنانچه اقتصاد با قدرت و سیاست پیوند بخورد و با جغرافیا نیز عجین شود، در حوزه ژئوپلیتیک قرار می‌گیرد که در این صورت ژئواکونومی به‌عنوان بُعد اقتصادی ژئوپلیتیک شکل می‌گیرد که در زیر مجموعه جغرافیای سیاسی قرار دارد (Mokhtari Hashi, 2018:57). اگرچه از قدیم استفاده از ابزارهای اقتصادی در سیاست وجود داشته ولی پس از جنگ سرد و جهانی‌شدن که رویکردهای اقتصادی مورد توجه بیشتر قرار گرفتند، بحث ژئواکونومی نیز روزبه‌روز در سیاست‌های داخلی و خارجی و به‌عنوان یک روش نوین کشورداری مطرح شد (Bremmer, 2010:20). با وجود اینکه از نظر نسبت، ژئواکونومی شاخه‌ای از ژئوپلیتیک است، ولی تفاوت‌هایی با آن دارد و بازیگران متعددی در آن درگیر می‌شوند که بر پیچیدگی این رویکرد می‌افزاید. ابزارهای مورد استفاده در ژئواکونومی نیز علاوه بر تعدد و تنوع زیاد، عمدتاً از نوع ابزارهای قدرت نرم بوده بر پیچیدگی نظام بین‌الملل می‌افزایند. در سیاست داخلی و امور کشورداری نیز توجه به این رویکرد موجب تقویت زیربناها و زیرساخت‌های قدرت ملی شده و به افزایش وزن ژئوپلیتیکی کشور کمک می‌کند که این امر موجب تغییر رفتار و جایگاه کشور در نظام ژئوپلیتیک در راستای تحصیل منافع ملی می‌شود. در همین راستا تجارت نیز عامل مهم ژئوپلیتیک اقتصادی است که سابقه مناسبات تجاری میان اعراب و ایرانیان با شبه‌قاره هند دارای سابقه طولانی است. برای نمونه می‌توان به منطقه تجاری خلیج فارس در دوران اسلامی و قبل از آن اشاره کرد که همواره محل رفت‌وآمد کشتی‌های تجاری و مسافری به سوی شرق و غرب اقیانوس هند بوده است (Nadwi, 2005:43). همچون ایرانیان تاجران عرب نیز با شهرهای تجاری هند ارتباط داشتند. به طور کلی می‌توان گفت که مردمان بومی هند با تاجران مسلمان آشنا بودند. در نتیجه آنان با دین اسلام از طریق همین

تاجران ارتباط برقرار کردند (Pargarei, 2011:54). در اثر روابط بسیار نزدیک تاجران مسلمان با بومیان هندی، گروهی از همین بومیان مسلمان شدند. بنابراین مسلمانان قبل از اینکه با نیروی نظامی و لشکرکشی وارد شبه‌قاره هند شوند، به‌وسیله تاجران و بازرگانان وارد این منطقه شده‌اند (Sadeghi Alavi, 2017:32). مسئله تجارت و فعالیت‌های مربوط به آن سبب آبادانی شهرها شد، چراکه مراکز تجاری سواحل غربی هند به‌دست مسلمانان بود و آنان مالیات‌های خود را به رایگان هندی تحویل می‌دادند. همین امر سبب می‌گشت تا منافع سرشاری را از این طریق کسب کنند. البته فعالیت مسلمانان در این مناطق منحصر به تجارت و خرید و فروش نبود، بلکه اغلب در امور مملکت‌داری و سیاست نیز دخیل و مؤثر بودند. بنابر گزارش ابن بطوطه در شهر نور، جمال‌الدین محمد از جانب پادشاه هندو آن، در جاوه سلطنت می‌کرده است (Pakatchi, 2011:565).

۴-۵. حضور اسلام در ناحیه اوتارپرادش

حضور اسلام در ناحیه اوتارپرادش به سده‌های قبل از ۶ ه. ق / ۱۲ م بازمی‌گردد. در دوره سلاطین دهلی و مغولان هند، اوتارپرادش تحت حاکمیت آنان قرار گرفته بود و اکنون نیز می‌توان آثار و بقایای این دوره را در مناطق مختلف این ایالت به‌طور محسوس مشاهده کرد. حاکمیت در اوده، توسط درباریان دربار مغول هند که در آنجا حضور داشتند، تأسیس شده است. اوده سرزمینی در شمال هندوستان است که در سده ۱۸ م تحت حاکمیت سلسله‌ای از نواب شیعی قرار داشته است (Razavi, 2007:129). در زمان حکومت نوابان اوده، نسلی از سادات موسوی و ایرانی‌تبار در این منطقه سکونت داشتند، به همین علت تشیع در این منطقه گسترش پیدا کرد (Sadeghi Alavi, 2017:51). نوابان اوده در آن دوران به تقویت شیعیان با توجه به ساخت بناهای شیعی، برپایی مراسم شیعیان و توجه به عزاداری ایام محرم پرداختند. در دوران حکومت نواب علمای شیعی نفوذ زیادی در این مناطق به‌دست آوردند (Percival, 2008:60). برای نمونه یکی بنیان‌گذاران این سلسله فردی به‌نام سعادت خان بوده‌است که در زمان وی، سرزمین اوده محلی برای گسترش فرهنگ تشیع در شمال شبه‌قاره هند شناخته می‌شود. در سده ۱۲ ه. ق / ۱۸ م بخشی از ناحیه اوتارپرادش تحت حاکمیت سلاطین شیعه مذهب اوده قرار می‌گیرد که همین امر سبب

می‌شود تا مذهب و فرهنگ شیعی در شمال هند گسترش یابد، این مذهب در مرکز ایالت اوتارپرادش هند شهر لکنهو به خوبی قابل مشاهده است، چراکه این شهر، محل تجمع نواب‌ها و حکمرانان مذهب شیعه بوده و به تدریج به یکی از مراکز مهم فرهنگ شیعی تبدیل می‌شود (Nehru, 1974: 123). این شهر، به دلیل داشتن مدارس بسیار تا زمان تأسیس کشور پاکستان از مراکز مهم آموزش شیعه بوده است. با این حال شهر لکنهو از مهم‌ترین نقاط شیعه‌نشین در هند محسوب می‌شود (Razavi, 2007: 132). در گذشته نواحی شرق و شمال شرق هند، مسلمانان بیشتری حضور داشتند و بوداییان در این قسمت اقلیت محسوب می‌شدند و حوزه گسترش آنان در غرب شبه‌قاره بوده و در شرق و شمال شرق تأثیرگذاری کمتری داشته‌اند (Pargarei, 2011: 54). در آن زمان ایالت اوتارپرادش با مرکزیت شهر لکنهو در واقع بیشترین جمعیت مسلمان و شیعه را داشته است.

۴-۶. تبیین اهمیت و تاثیر علی‌گه و دیوبندیه در ژئوکالچر منطقه

تبیین اهمیت و تاثیر این دو مدرسه در منطقه می‌تواند از طریق تحلیل تاثیرات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و مذهبی در منطقه بررسی شود. زیرا این دو مدرسه نقش مهمی در هویت مذهبی و فرهنگی جامعه ایفا کردند به گونه‌ایی که با انتقال مفاهیم دینی و فرهنگی به جامعه، شاهد تاثیر آن در تشکیل عقاید، ارزش‌ها، رفتارهای مردم منطقه، تمایلات سیاسی جوانان و نسل‌های آینده بوده است. برای نمونه می‌توان به تاثیر مدرسه دیوبندیه در ژئوکالچر منطقه اشاره کرد که دعوت به جهاد و تشکیل جماعت نظامی و مذهبی را بر عهده داشته است. این مدرسه افراد را تحت تاثیر مفاهیم دینی و ایدئولوژی‌های خاصی قرار می‌داده که در نهایت به تشکیل جنبش‌های مذهبی و سیاسی با تاکید بر جهاد و تاثیر بر تصمیم‌گیری‌های ژئوپلیتیکی منطقه منجر شد. گروه افراطی طالبان در افغانستان نمونه‌ایی از این تاثیر است (Boroujerdi, 1993: 65). این گروه در ابتدا به عنوان جنبش دینی - سیاسی تشکیل شد که تاثیراتی از مدارس دیوبندیه را در خود نشان داد، زیرا تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های این گروه به مراتب تحت تاثیر تفسیر دینی مدارس دیوبندیه بوده است که تشکیل انگیزه‌های مذهبی برای ادامه جنگ و تعاملات با دیگر کشورها را داشته است (Marsden, 1998: 54). این مثال نشان‌دهنده نقش این مدرسه در شکل‌گیری تصمیم‌ها و

سیاست‌های ژئوپلیتیکی منطقه می‌باشد و تاثیر مستقیم در تعیین مسیرهای سیاسی، امنیتی و فرهنگی این مناطق را به دنبال داشته است. بنابراین گروه طالبان اهداف سیاسی و ژئوپلیتیکی خود را بر اساس تفسیرهای دینی موسوم به دولت اسلامی تعریف می‌کند و این دیدگاه به عنوان هدفی سیاسی و مذهبی مدعی است که تحت تاثیر آموزه‌ها و تفسیرهای دیوبندیه شکل گرفته است که این نوع از ایدئولوژی تاثیری بر تعاملات بین‌المللی دارند. همچنین تصمیم‌گیری و اقدامات این گروه بر تعیین رویکردهای سیاست‌های بین‌المللی کشورهای دیگر و تعاملات منطقه‌ای تاثیرگذار بوده است (Tohidfam, 2012:70). به صورت کلی این مثال نشان می‌دهد این مدرسه به واسطه تربیت نیروهایی که تحت تاثیر ایدئولوژی دینی و تفسیرهای خاص قرار گرفته‌اند، تاثیرات بزرگی در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های ژئوپلیتیکی منطقه دارند و این نوع تاثیرات می‌تواند تعاملات کشورها و مناطق را در مسیرهای مختلف متاثر سازد، از جمله تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، امنیتی و سیاسی. به این ترتیب این مدارس تا حد زیادی نقش اصلی در تشکیل نگرش‌ها، تصمیم‌ها و رفتارهایی که تاثیر مستقیم بر ژئوپلیتیک منطقه دارند را ایفاء می‌کنند.

۵. تجزیه و تحلیل

هرچند بررسی همه جانبه و تحلیل دستاوردهای این دو مدرسه و تأثیرات عمده آن‌ها در مباحث ژئوکالچر به دلیل وسعت، فراتر از ظرفیت یک مقاله است. اما با کمی اغماض و با رویکرد روشی می‌توان سه مؤلفه قدرت، سیاست و جغرافیا به عنوان وزن ژئوپلیتیکی برای ساخت دو مدرسه علیگره و دیوبندیه را بررسی و رصد کرد. جغرافیای اوتارپرادش به مثابه مکان تاسیس این دو مدرسه در شمال هند، نفوذ، گسترش اسلام و فرهنگ آن بانضمام بافتار فضایی و جمعیتی منطقه و سیطره گفتمان اسلامی اعم از شیعه و سنی، در کنار اقلیتی از بودائیان و هندوها موجب شده است تا دو مدرسه با دو رویکرد مختلف در این منطقه بنیاد شود. این شاکله متمایز موجب شده است تا تمایزات فرهنگی و تقابلات مذهبی میان آنها فزونی یابد. از دیگر عوامل زمینه‌ساز پاگرفتن و تداوم این دو آکادمی علمی، حضور فعال علمای مسلمان دغدغه‌مند به مثابه سازمان‌دهندگان فضای گفتان دینی، در کنار اقلیتی از بومیان آسیب‌دیده از فضا و هژمونی استعمار

و به عنوان کارگزاران سنت در فضای گفتمان سیاسی و مذهبی، نفوذ انگلستان به عنوان بازیگران سیاسی فرامنطقه‌ای خارج از فضای گفتمانی را می‌توان برشمرد. آنچه از تحقیقات مقدماتی برای تشریح فضای گفتمانی این منطقه برمی‌آید وزن ژئوپلیتیکی حاکم بر آن منطقه به سود مسلمانان بوده است، زیرا جمعیت مسلمانان نسبت به بوداییان که اقلیت محسوب و اغلب در غرب شبه‌قاره مستقر بوده، بیشتر است. بنابراین بوداییان در شرق و شمال شرق تأثیرگذاری کمتری داشتند. به صورت کلی شرایط سرزمینی این ایالت از جمله جمعیت زیاد مسلمانان نسبت به بوداییان زمینه مناسبی را برای حضور آنها و تشکیل دادن حاکمیت مسلمان اعم از شیعه و سنی ایجاد کرده است که همین موضوع یکی دیگر از علل تشکیل این دو مدرسه از منظر وزن ژئوپلیتیکی جغرافیایی است. در قرن نوزدهم میلادی موسس مدرسه علیگره، موفق به جلب حمایت مالی از شاهزادگان محلی هند و عالی‌رتبگان انگلستان شد و این حمایت مالی به عنوان قدرت سیاسی به او اجازه داد تا این مدرسه را تاسیس کند. بدین ترتیب مولفه قدرت و سیاست از طریق حمایت مالی به مدرسه علیگره ایفای نقش می‌کند. مدرسه دیوبندیه نیز از سوی علما مذهبی و مردم حمایت مالی می‌شد که این حمایت باعث توسعه و رشد این مدرسه و ترویج نگرش‌های دینی در منطقه و پیرامون خود شد. بنابراین حمایت مالی از سوی قدرت‌های سیاسی، حکومتی و مردم عادی جامعه به عنوان عناصر قدرت در کنار مذهب، نقش مهمی در ساخت این دو مدرسه داشته است. با نگاهی به اهداف ظاهری تاسیس این دو مدرسه می‌توان دریافت، سیاست ترویج عقاید، جلوگیری از عقب‌افتادگی مسلمانان نسبت به جامعه هندو و جلوگیری از تباهی عقاید اسلامی دلایل دیگر شکل‌گیری این دو مدرسه از نظر وزن ژئوپلیتیکی سیاسی خواهد بود. حاکمیت نوابان اوده و سادات ساکن در ایالت اوتارپرادش شرایط را برای ایجاد حکومت شیعه در شهر لکنهو پایتخت این ایالت فراهم کرد. از آنجا که اکثریت جمعیت مسلمانان شبه‌قاره هند اهل سنت و حدود دو سوم جمعیت مسلمان آن، تابع مذهب حنفی هستند، هژمونی گفتمان مذهب تسنن در آنجا قوی و پر دامنه است. البته طرفداران و پیروان فقه شافعی در شبه‌قاره نیز عمدتاً میان مایپله‌ها رواج دارد. هرچند گرایش‌ها و هابی مسلمانان این منطقه هم قابل انکار نیست (The Encyclopaedia of Islam, 1986:147). لیکن ثقل وزن ژئوپلیتیکی در ایالت

اوتارپرادش به نسبت سایر مناطق هند و نیز تجمع بوداییان و هندوان همواره به نفع مسلمانان بوده است، از دیرباز ایالت اوتارپرادش با مرکزیت شهر لکنهو بیشترین جمعیت مسلمان و شیعه را داشته است، اما به دلائل مختلف بویژه قدرت سیاسی دولت هند، هژمونی و اگرایی مذهبی هند، ضعف نظام علمایی شیع در هند و بی‌تردید سیاست و نفوذ بریتانیا، ژئوپلیتیک شیعه در این منطقه نقش کمتری را ایفاء می‌کند. ساخت مدرسه علی در ایالت اوتارپرادش را می‌توان نخستین گام مسلمانان در جهت استعمارزدایی و جهل‌برافکنی دانست. آنچه مشخص است ساخت این دو مدرسه تا اندازه زیادی با موقعیت، شرایط جغرافیایی و ژئوپلیتیکی منطقه و ظرفیت‌های ژئوکالچر آن مرتبط است. حضور جمعیت فراوان مسلمانان در این ایالت، وزن ژئوپلیتیکی آن را به نفع مسلمانان تغییر داده است. اگر چه اوتارپرادش را می‌توان از نظر مشخصات نژادی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی طبقه‌بندی کرد. در این طبقه‌بندی مسلمانان به لحاظ کثرت و تنوع مذهبی و وجود فرقه‌ها و طریقت‌های متعدد وضعیت متفاوتی را دارا هستند. در کنار بافتار فضایی و تنوع جمعیتی، مسائل سیاسی موجود در نیمه اول قرن نوزدهم هم سبب شد تا مسلمانان ساخت این دو مدرسه را الزامی بدانند. در سال ۱۸۵۷ م شورش هندوستان علیه انگلیسی‌ها که دارای ابعاد وسیعی بود، به وقوع پیوست. این شورش در بخش‌های شمالی و مرکزی هندوستان آغاز و در نهایت توسط دولت انگلستان سرکوب شد. هر چند پیش از این جنبش از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۳۳ ایالت اوتارپرادش به دلایل تاریخی، جغرافیایی شاهد جنبش‌های متعددی علیه انگلستان بود و جنبش‌های استقلال‌طلبانه در آنجا رشد و پا گرفت، بر همین اساس این ایالت زودتر تحت حاکمیت انگلستان قرار گرفت و انگلیسی‌ها آن را ایالت متحد اوده و آگره نامیدند. به دلیل سابقه این ایالت در آزادی خواهی و استقلال‌طلبی، در دوره استقلال هند، نواحی مختلف ایالت اوتارپرادش، از مراکز مهم جنبش استقلال‌طلبان بشمار می‌رفت. پس از استقلال هند ایالت متحده اوده و آگره به اوتارپرادش تغییر نام یافت (Ruknuddin, 1959:154). به هر تقدیر، متاثر از سابقه تاریخی این ایالت و حضور عالمان مسلمان در آنجا، ساخت نهادهای آموزشی به منظور احیای قدرت مسلمانان از طریق توجه به علوم و روزآمد کردن نظام دانایی مسلمانان فزونی یافت. اما ساخت، احیا و توسعه این مدارس منجر به چرخش قدرت سیاسی در هند به نفع مسلمانان نشد،

زیرا حضور مسلمانان در قدرت سیاسی این کشور محدود و ناملموس بود. فقدان این حضور در شاکله قدرت سیاسی در هند، بر تنگناهای مسلمانان افزود و این مدارس تنها توانست بخش عمده‌ای از نیاز علمی مسلمانان را پاسخ دهد. از سوی دیگر ایجاد این مدارس در دوره‌ای بود که هند در شرایط تغییرات سیاسی بزرگی قرار داشت، چنان‌که استعمارانگلیس در هند به دنبال مطامع خویش بود. توسعه و نفوذ روزافزون استعمار بریتانیا در این ناحیه سبب شد تا مسلمانان برای احیای قدرت خود و رهایی از استعمار، این ایالت را به یکی از مراکز مهم علمی و تحقیقات اسلامی تبدیل کنند. متاثر از حمایت و اهتمام عالی‌رتبگان و علمای مسلمان، دو مدرسه مهم علی‌گره و دیوبندیه تاسیس و فعال شدند. هرچند در همان بدو تاسیس، عوامل تفرقه‌آمیز و رقابت‌های پیدا و پنهان میان این دو مدرسه قابل مشاهده بود و در پاره‌ایی اوقات تفکرات مذهبی به جای آنکه توازنی در قدرت سیاسی ایجاد کند، منجر به تشدید تقسیمات میان مسلمانان و هندوها می‌شد. بنابراین در مقابل مسلمانان، هندوها قرار داشتند که انگلستان با تقویت آنها موجب قدرت‌مندی برهمنیسم در دوره استعمار شد. به صورت کلی این مدارس در ترویج تعالیم دینی و آموزه‌های اسلامی تأثیرگذار بودند، اما تغییرات قدرت سیاسی به شدت متاثر از عوامل دیگری نیز بود. از طرفی پس از سرکوب جنبش استقلال‌طلبی در هند توسط بریتانیا، دولت انگلستان سعی کرد که ضمن جلب رضایت مردم، افکار عمومی را راضی نگه دارد و بدین‌وسیله به تأسیس کنگره ملی هند پرداخت و نقش فرامنطقه‌ای خود را حفظ کرد (Raswan, 1997:120). اگرچه این کنگره بسرعت به یک سازمان سیاسی هندی تبدیل شد و مسلمانان نتوانستند در این کنگره جذب و یا فعال شوند، لیکن پیامد شورش بزرگ سال ۱۸۵۷ م منجر به فرگشت شدید از فرهنگ هندی اسلامی به سوی مدرنیسم بود، شد. این چرخش نیز به‌طور عمده با جنبش علی‌گره به رهبری سرسید احمدخان پیوند خورد. در نتیجه گرایش‌های فرهنگی مسلمانان به سمت تجزیه‌طلبی متمایل شد، این تمایل ناشی از آن بود که مسلمانان می‌ترسیدند که اسلام در آیین هندو تحلیل رود و از نظر فرهنگی و دینی تابع هندوها شوند. همین امر سبب شد تا جنبش‌های پان‌اسلامیسم در این منطقه شکل بگیرد، جنبشی که در نهایت منجر به تشکیل کشوری مستقل با عنوان پاکستان شد (The Encyclopaedia of Islam, 1986:149). از طرف دیگر در کنار

ساخت مدرسه علی‌گره، دارالعلم دیوبندیه که کاملاً مخالف با مدرن‌سیم بود، در این ایالت ساخته شد. بدین ترتیب می‌توان انعکاس رابطه سیاست و قدرت در ساخت این دو مدرسه را به خوبی دریافت، چرا که مسائل سیاسی از جمله حضور استعمار در این ایالت سبب شد تا مسلمانان به مسئله بازپس‌گیری قدرت از دست رفته خود توجه کنند. در همین راستا سرسید احمدخان با ساخت کالج اسلامی شرقی علی‌گره و توجه به مدرن‌سیم خواستار به قدرت رساندن مسلمانان از طریق علم مدرن در این کشور بود. زیرا وی معتقد بود مسلمانان برای داشتن قدرت نیازمند به علم مدرن هستند و اگر به این علم متکی نباشند، در برابر هندوها ضعیف‌تر خواهند شد و جامعه مسلمانان رو به اضمحلال و انحطاط خواهد رفت. از طرفی دارالعلم دیوبندیه با توجه به اصل اسلام یعنی بازگشت به اسلام سلف صالح و مقابله با تمدن غرب می‌خواست قدرت مسلمانان را از این طریق باز پس بگیرند و به وضعیت مطلوبی بازگرداند. با وجود تاسیس نهادهای علمی خرد و کوچک در این منطقه، مسلمانان هند نتوانستند شکوه قدرت گذشته خویش در این کشور را بدست آورند، زیرا هند در دورانی بسر می‌برد که تغییرات سیاسی شگرفی شکل گرفته بود. سیطره و هیمنه استعمار بریتانیا در این کشور و بدست گرفتن قدرت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی موجب شد تا عالمان مسلمان بدنبال تشکیل دولت اسلامی و مستقلی در شبه‌قاره باشند، چرا که از نظر آنها نظام دینی از نظام سیاسی و اجتماعی آنها جدا نبود و از لحاظ اصول اعتقادی مسلمانان نمی‌توانند تابع حکومت غیراسلامی باشند. در نتیجه کشور مستقل و اسلامی با عنوان پاکستان را تاسیس کردند و سرانجام در سال ۱۹۴۷ م بنابر طرح مونتابتن دو کشور مستقل هند و پاکستان در درون مرزهای تاریخی هند شکل گرفت.

۶. نتیجه‌گیری

موقعیت طبیعی و جغرافیایی هر منطقه نقش مهمی در تحولات تاریخی آن منطقه دارد. منطقه شبه‌قاره هند نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی ممتاز، دارا بودن وزن ژئوپلیتیکی فرهنگی قوی مورد توجه بسیاری از اقوام و گروه‌های مختلفی بوده‌است. مطابق اسناد تاریخی نفوذ اسلام در این منطقه سابقه طولانی دارد. عواملی هم‌چون عامل دین اسلام و ماهیت آن، عامل تجارت و ژئواکونومی و حضور تجار مسلمان، نفوذ تصوف و طریقت‌های آن، گسترش مذهب اسماعیلیه

در این منطقه و مهاجرت‌های دسته‌جمعی، سبب رشد روزافزون اسلام در این منطقه شد. در طول تاریخ با توجه به موقعیت جغرافیایی و ژئوکالچر ایالت اوتارپرادش، بافت فضایی منطقه تعداد بسیاری از مسلمانان در کنار هندوها زندگی مسالمت‌آمیزی داشته‌اند. هرچند به دلیل پرشماری تعداد مسلمانان در این ایالت، وزن ژئوپلیتیکی این حوزه به نفع مسلمانان سنگینی می‌کند، لیکن به دلیل تسامح مسلمانان همواره میان طبقات و گروه‌های مختلف مسلمان و هندو صلح و سازش حکمفرما بود. افزون بر این مودت فرهنگی درون ساختاری، همواره این ایالت درگیر شورش‌های بزرگی علیه استعمار انگلیسی بود. فرجام این شورش‌ها شکست از انگلیسی‌ها و شروع استعمار نوین بریتانیا در این منطقه بود. این شکست، نه تنها وضعیت مسلمانان بفرنج و اسفبار کرد، بلکه ضعف و فتور و انحطاط را برای آنان به ارمغان آورد. بریتانیا با برکشیدن جایگاه هندوان و قدرت دادن به هندوها در دشوار کردن اوضاع برای مسلمانان کوشیدند. مطالعات نشان داد همین امر سبب شده بود تا جامعه هندو مذهب در سراسر هند قوت بگیرد. با این حال اگر دولت انگلیس از هند خارج می‌شد جامعه ضعیف مسلمانان کماکان به عنوان فرودستان، محکوم اراده اکثریت متخاصم نیرو گرفته هندو مذهب‌ان می‌شدند. بنابراین علمای مسلمان و کارگزاران فرهنگی منطقه به دنبال چاره به سوی ساخت این دو مدرسه رهنمون شدند تا با بهره‌گرفتن از فضای فرهنگی و قدرت ژئوپلیتیکی فرهنگی به تقویت زیرساخت‌های اجتماعی بپردازند.

تحقیقات نشان داد عوامل شکل‌دهنده ساخت این دو مدرسه در ایالت اوتارپرادش با جغرافیای سیاسی و ژئوپلیتیک فرهنگی منطقه نیز مرتبط بود. بدین ترتیب در پاسخ به چرایی ساخت این دو مدرسه در این ایالت، شناخت موقعیت و وزن ژئوپلیتیکی امری ضروری بود. لذا تحقیقات نشان داد ایالت اوتارپرادش با واقع شدن در منطقه‌ای استراتژیک از نظر ژئوپلیتیکی دارای اهمیت بسیاری برای مسلمانان، هندوان و استعمار انگلیس بود. بررسی‌ها نشان داد که سه مولفه قدرت فرهنگی، سیاست و جغرافیا در این ایالت برای ساخت دو مدرسه علی‌گره و دیوبندیه به عنوان وزن ژئوپلیتیکی در ایالت اوتارپرادش موثر بوده‌اند. بررسی‌ها در این مقاله نشان داد که اکثریت جمعیت اوتارپرادش مسلمان اعم از شیعه و سنی بودند که طبعاً دارای قدرت فرهنگی قابل

توجهی بودند. همین امر موجب شکل‌گیری این دو مدرسه از منظر وزن ژئوپلیتیکی قدرت بوده است. از طرفی شرایط سرزمینی و جغرافیایی این ایالت زمینه مناسبی را برای حضور مسلمانان و تشکیل دادن حاکمیت مسلمان اعم از شیعه و سنی ایجاد کرده است که همین موضوع یکی دیگر از علل تشکیل این دو مدرسه از منظر وزن ژئوپلیتیکی جغرافیایی و فرهنگی است. مهم‌ترین دستاورد این پژوهش این است که سیاست ترویج عقاید توسط مسلمان، جلوگیری از عقب‌افتادگی مسلمانان نسبت به جامعه هندو و جلوگیری از تباهی عقاید اسلامی، مسئله استعمار بریتانیا در این منطقه و از طرفی تلاش مسلمانان برای رهایی از استعمار را از دلایل دیگر شکل‌گیری این دو مدرسه از نظر وزن ژئوپلیتیکی سیاسی دانست. علی‌گره با این هدف تاسیس شد تا ضمن رشد آگاهی دینی و علمی و لزوم آشنایی مسلمانان با فنون و علوم جدید غرب بتواند مسلمانان را در مقابله با حوادث آینده مصون و آنان را از انهدام و اضمحلال نجات دهد. در کنار علی‌گره، دارالعلم دیوبندیه نیز تلاش کرد تا راه پیشرفت مسلمانان چه در این ایالت و چه در سایر نقاط هند و حتی جهان، را با رهیافت بازگشت به سلف صالح بگشاید و جامعه مسلمانان را از انحطاط نجات دهد. موسس این مدرسه مخالف ارتباط با غرب بود به همین علت به تأسیس مدارس دینی با تأکید بر علوم قدیم به روش سنتی پرداخت. نتیجه این که در زمره علل ساخت این دو مدرسه بر اساس بنیان‌های ژئوپلیتیک فرهنگی علی‌رغم تمایزات فرهنگی و تقابلات مذهبی، عوامل بنیادینی چون تاثیر گسترش اسلام، حضور فعال علمای مسلمان به مثابه سازمان‌دهندگان فضای گفتان دینی، حضور اقلیتی از بومیان به عنوان کارگزاران سنت در فضای گفتان مذهبی، نفوذ انگلستان به عنوان بازیگران سیاسی فرمانطقه‌ای خارج از فضای گفتمانی موثر بودند.

۷. قدردانی

با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر قادری حاجت عضو محترم هیات علمی گروه جغرافیای سیاسی دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس که در ارائه پیشنهادهای علمی و دقیق شدن تعاریف و کاربرست رویکردهای جغرافیایی در این مقاله موثر بودند.

References

1. Al-kawthari, M.I.A (2020). Aghayed Ahl al-Sunnah al-Musami al-Muhand Ali al-Mufand, Damascus, Al-Nashar Dar al-Fath. **[In Arabic]**
2. Al-Baladhuri, 'A.I.Y.I.J (1976). Ansab al-Ashraf. Research By mohammad bagher mahmoudi. Darulfikr publication. Beirut. **[In Arabic]**
3. Al-Biruni, A.R.M.I.A (1910). Tahqiq Ma Li Al Hind. translated by manochehr sadoghi saha. Tehran. Institute for Social and Cultural Studies. **[In Persian]**
4. Amiri, A; Fllah Nejad, A (2018). Salafi Geoculture and Geolpolitics in Iran. Crisis Studies of the Islamic World, 5(2), 59-94. doi: 10.2783.4999/QJPR. 2003.1110.133. **[In Persian]**
5. Azami, H (2006). Geopolitical weight and regional power system of Southwest Asia survey, Geopolitics Quarterly. Second period. pp. 149-193. **[In Persian]**
6. Bremmer, I (2010). The End of the free market: who wins the war between states and corporations, New York: portfolio. **[In English]**
7. Hafeznia, M.R (2016). Principles and Concepts of Geopolitics, 5th edition, Papoli Publications. Mashhad. **[In Persian]**
8. Hafeznia, M.R; Ezzati, E;, Mojtahedzadeh, P; Hosseinpour, R (2013). Geopolitical analysis of power relations in the Indian subcontinent region after the events of September 11, 2001, article of Iran Geopolitical Association, Geopolitics Quarterly, Vol.8, No.7, pp.34-1. **[In Persian]**
9. Hikmat, A.A (2017). History of the Land of India, Duniya Kitab Publication. Tehran. **[In Persian]**
10. Hoshangi, L (2013). Deobandi schools, educational system and social consequences, history of Islamic civilization, Vol.45, No.2, pp.117-133. **[In Persian]**
11. Ibn Battutah, A.A.M (2000). Rihla. Translated by mohammadali movahed. Tehran: Tarhe nou. **[In Persian]**
12. Imam Muhammad Qasim al-Nanotowi (1884). The author of the Islamic Jamia Darul Uloom, Deobandia, India. **[In Arabic]**
13. Jaffrelot, Ch (2012). Muslims in Indian Cities: Trajectories of Marginlisatic Laurent Gayer. **[In English]**
14. Jamshidi Boroujerdi, M.T (1993). The root causes of conflicts between Muslims and Hindus. Ministry of Foreign Affairs publication. Tehran. **[In Persian]**
15. JanAhmadi, F; Zargar, M. A (2022). Historical interpretation of the effective geopolitical factors in the urban space of Talitale during the Umayyad period of Andalusia. Geopolitics Quarterly, 18th year, number 3, autumn, pp. 101-126. **[In Persian]**
16. Madanipour, A (2016). Urban design of space and society, translated by behnaz aminzadeh. Tehran University Publications. **[In Persian]**
17. Marsden, P (1998). Talban. Translated by kazem firouzmand, publishing markaz. **[In Persian]**

18. Mathur, R.B (2023) "Uttar Pradesh". Encyclopedia Britannica, <https://www.britannica.com/place/Uttar-Pradesh>. Accessed 6 October 2023. **[In English]**
19. Mokhtari Hashi, H (2018). Explaining the Concept of Geo-economics and Recommendations for Iran, *Geopolitics Quarterly*, vol.2, No.1, pp. 56-82. **[In Persian]**
20. Moslinejad, A (2020). Geopolitical displacement of power and security in Southwest Asia, Abbas Moslinejad, *Geopolitics Quarterly*, 16th year, number three, pp. 1-28. **[In Persian]**
21. Nadwi, S (2005). Muslim business relationship with India, translated by Ali bahranipour, *Journal of History Scholars*. **[In Persian]**
22. Nahru, J (1974). A look at the history of the world, translated by Mahmoud Tafzili, Tehran, Book translation and publishing. **[In Persian]**
23. Nemati, N; Yari, S (2009). The spread of the influence of Islam in the Indian subcontinent from the first century to the fifth century Hijri, *historical researches*, vol.1, No.1, pp.129-145. **[In Persian]**
24. Paktachi, A (2011). *Islamic Encyclopedia*, Center for Islamic Encyclopedia, Tehran. **[In Persian]**
25. Papoli Yazdi, M.H (2004). *Geopolitics and Development*. Amir Kabir Research Institute. Mashhad. **[In Persian]**
26. Pargarei, S (2011). The role of Muslim merchants in the spread of Islam to the Indian subcontinent. vol.6, No.22, pp.51-72. **[In Persian]**
27. Percival, S (2008). *History of India*. Translation Homayoun Sanaatizadeh. Qom, publisher adyan. **[In Persian]**
28. Pirnia, H; Iqbal Ashtiani, A (2001). *History of Iran from the beginning to the extinction of the Qajar dynasty*. Tehran. Khayyam Publications. **[In Persian]**
29. Rahmani Begum, M; Ruknuddin, H (1959). *The educational movement of Sir Syed ahmed khan*, Thesis submitted for the degree of doctor of Philosophy School of Oriental and African Studies University of London. **[In Persian]**
30. Raswan (1997). *Colonial experience and Muslim educational reforms: A comparison of the aligarh and the muhammadiyah movements*, A thesis submitted to The Faculty of Graduate Studies and Research in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Arts/ Institute of Islamic Studies McGill University Montreal. **[In English]**
31. Razavi, S.A.A (2011). *Twelve imam Shia intellectual social history in India*, Research Institute of Cultural Sciences. Tehran. **[In Persian]**
32. Sadeghi Alavi, M (2016). *History of Islam in the Indian subcontinent from the beginning of the arrival of Muslims to the end of the Gurkanian rule*, Qom. First edition, Subhan Publications. **[In Persian]**
33. Shakoi, H (2014). *Environmental philosophies and geographical schools*, second volume, 11th edition, published by the Institutes of Geography and Cartography, Tehran. **[In Persian]**

34. Sheikh al-Maqri Hakim al-Islam Muhammad Tabib (1979). translated by Al-Sikh al-Nour Alam Khalil al-Amini. Olama Deoband al-Thajahom al-Dini va mazajehom al-mazhabi religious temperament. Al-Ada'i magazine. India. **[In Arabic]**
35. The Encyclopaedia Britannica "History of Encyclopaedia Britannica and Britannica Online".2023, Inc. Archived from the original .<https://www.britannica.com/place/Uttar-Pradesh/Economy>.**[In English]**
36. The Encyclopaedia of Islam (1986). Indian Entry, Volume III. Netherland. Brill. **[In English]**
37. Tohidfam, M (2012). America's strategy in Afghanistan and its impact on national security, International relations research paper. vol.1, No.1, pp.66-97. **[In Persian]**
38. Qazvini, V; Hossein, M.T (2014). History of Jahan Arai Abbasi, Humanities Research Institute, Tehran. **[In Persian]**
39. Yazdan Panah, Q; Kamran, H (2015). India and its geopolitical future in Asia with an emphasis on Iran's defining role, International Quarterly Journal of the Geographical Society of Iran, Vol.13, No.46, pp.339-353. **[In Persian]**

COPYRIGHTS

©2023 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

